

ده نکته درباره یک خبر ۳

عباس عبدي

۶- آیا خانواده آقای قالیباف مرتکب خطايي يا جرمي شده‌اند؟ به‌طور قطع خیر، مدافعان آقای قالیباف بیهوده می‌کوشند که بی‌گناهی آنان را ثابت کنند، زیرا روشن است آنان در این اقدام خود مرتکب جرمی نشده‌اند. مساله اصلی، تعارض ادعاهای انتخاباتی آقای قالیباف در نقد رفتار دختر وزیر آموزش و پرورش سابق در واردات لباس یا مبالغ حساب‌های بانکی یا ساده‌زیستی خود و خانواده و... با این اقدام خانواده‌شان است. مساله جامعه وجود این دوگانگی است. نکته دیگر اینکه مدیران جامعه به‌طور قطع از ریز جزئیات زندگی مسوولان و تعارضات آنان اطلاع دارند و آنها را مسکوت می‌گذارند.

۷- در خصوص واکنش‌های موافق و توجیه‌گر نسبت به این واقعه نکته جالبی وجود دارد. برخی موافقان و توجیه‌گران در لباس روحانیت از همه چیز مایه گذاشتند تا این رفتار را توجیه کنند و این مثل ریختن بنزین بر آتش برای خاموش کردن آن است. این بدترین وجه چگونگی مواجهه با يك مساله در عرصه سیاست در ایران است. سیاستمداران باید بدانند صداقت حتی اگر در کوتاه‌مدت عوارض منفی برای آنان داشته باشد، در میان‌مدت آثار مثبت‌تری دارد و برعکس توجیه‌گری و خلاف واقع گفتن شاید در کوتاه‌مدت موج حملات را کم کند، ولی در میان و بلندمدت اعتبار فرد را به کلی زایل می‌کند. یکی از دلایل بازتاب گسترده‌تر این خبر، ناشی از برخورد آقای قالیباف در انتخابات و طرح مسائلی پیرامون دختر وزیر آموزش و پرورش سابق و نیز مساله ۹۶ درصدی‌ها و لیست اموال و... بود. اگر آن ادعاهای عجیب مطرح نمی‌شد، امروز هم این خبر اهمیت زیادی پیدا نمی‌کرد. فرض کنید که این خبر درباره خانواده کسی منتشر می‌شد که پدرش چنین شعارهایی نداده بود، بالطبع بازتاب چندانی نمی‌یافت و حداکثر با انتقادی متعارف مواجه می‌شدند. بنابراین در چنین مواردی پای دین و توجیهات دینی را به میان کشیدن مصداق اتلاف و قربانی کردن منابع ارزشی و اعتقادی مردم به پای يك موضوع ساده و کم اهمیت است.

۸- می‌گویند این افشاگری ناشی از اختلافات جناح‌های قدرت است. توضیحات افشاگر خبر، کمابیش نشانگر این است که کسی یا کسانی پیگیر ماجرا بوده‌اند و برای شناخته نشدن آن را به اطلاع افشاگر

رسانده و از این طریق عمل کرده‌اند. البته اصل افشای این خبر و حتی تولید و پیگیری آن مشکلی ندارد، بلکه عملی متعارف در حرفه روزنامه‌نگاری است. ولی اگر این کار از طریق سازمان‌ها یا گروه‌های رقیب داخل حکومتی انجام شده باشد، بسیار خطرناک است و باید مورد توجه دستگاه اطلاعاتی و قضایی قرار گیرد. چنین رفتاری حکومت را از وضعیت در خدمت جامعه بودن خارج و تبدیل به ابزار مافیای سیاسی و قدرت می‌کند.

۹- واقعیت این است که رویکرد غالب اقتصادی در این افشاگری بر اساس توزیع و نه تولید ثروت، بر اساس برابری در فقر و نه دستیابی به ثروت است. اجازه دهید مثالی بزنم. آنان که این همه بر یک مساله به نسبت ساده حساس هستند و حتی شعار کم شدن یک سیسمونی را معادل حل مشکلات مالی آموزگاران کشور می‌دانند، هیچ‌گاه کوچک‌ترین نقدی بر دوره اول اصولگرایی نکردند که دارای بیشترین درآمدهای نفتی تاریخ ایران در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بود، ولی دریغ از افزایش اندکی اشتغال.

طی دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، بیش از ۶ میلیون شغل ایجاد شد، در ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، نه تنها به تعداد شاغلان افزوده نشد که ۳۰۰ هزار هم کم شد. خب! فقر و فلاکت و بدبختی یعنی همین؛ وضعیتی که در تاریخ جدید ایران بی‌سابقه است. اگر یک مدیر فهمیده و آگاه بتواند با تکیه بر آگاهی و مدیریت خوب خود یک درصد بیشتر بر رشد اقتصادی کشور بیفزاید، در این صورت حداقل بیش از ۵ میلیارد دلار در هر سال به کشور خدمت کرده است، اهمیتی ندارد که خودش یا خانواده‌اش خوب بخورند، خوب بپوشند، خوب سفر کنند و برعکس. اگر مدیری ناتوان و ناآگاه باشد به طوری که رشد اقتصادی را کم یا رشد اشتغال را صفر کند، دیگر فرقی نمی‌کند که خانه‌اش کجاست؟ غذایش چیست؟ یا کفش او پاره باشد. رویکرد توزیعی مبتنی بر برابری در فقر ریشه روی کار آمدن مدیران نالایق و عوام‌گراست. ۱۰- و بالاخره اینکه این اتفاق نشان داد که نحوه سیاست در ایران هنوز به پایان خود نرسیده و در هر ایستگاه تعدادی را از قطار سیاست پیاده می‌کنند و جالب اینکه فاصله ایستگاه‌ها در حال کوتاه‌تر شدن است. باید قطار را متوقف و تا حد ممکن در مسیر عکس حرکت کرد و کوشید که همه مردم سوار آن، سپس به سوی توسعه و پیشرفت عازم شوند. ادامه مسیر کنونی و فرآیند تقسیم بر دو، عاقبت ندارد. همان‌گونه که دیروز هم نوشتم، این نوشته‌ها بیش از اینکه نقد شخص آقای قالیباف باشد هدفی عام هر چند مضمونی خاص دارد. این داستان سیاستمداران نواصولگرایان است که اینجا در قالب این مصداق تحلیل و نقد شده است. پایان

منبع: روزنامه اعتماد 29 اردیبهشت 1401 خورشیدی